



## Civil Sanctions Implementation of the Rights of People with Disabilities in Iranian Legal System and Providing a Desirable Model

Masoud Hasanabadi<sup>1\*</sup>, Elaheh Parsa<sup>2</sup>

1. Department of Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** One of the topics that are directly related to human rights is the rights of people with disabilities. Lack of prediction of sufficient performance guarantee of the rights of the disabled, causes weakness and defects in the rights of this category of people. So, laws and legal rules must be approved in such a way that there is no possibility of non-implementation by individuals. Therefore, in this article, we will examine the performance guarantee of the rights of people with disabilities and in the end; we will seek to provide a disable model.

**Methods:** This research was written using documents and library resources and descriptive and analytical method.

**Ethical Considerations:** In all stages of writing the present research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

**Results:** The findings indicate that in the discussion of the guarantee of civil enforcement, should be made a distinction between the government liability and non-governmental organizations and in issue of government liability, a distinction should be made between the liability of the government and government employees. Even in some cases, joint liability can be used to prevent the violation of the rights of people with disabilities and better compensation.

**Conclusion:** It seems that in the issue of guaranteeing civil enforcement, the three powers should be responsible for their actions in the cases of approval and adoption of ineffective laws and incorrect implementation of them and there is no difference between the government actions and the government authority. Even in cases of moral damage inflicted on a person with a disability, this type of damage must be compensated. Also, regarding the liability of individuals and non-governmental institutions, according to the general rules of civil liability, no damage should remain uncompensated and this people should follow the general rules of civil responsibility.

**Keywords:** Performance Guarantee; Rights of the Disabled; Civil Responsibility; Government

**Corresponding Author:** Masoud Hasanabadi; **Email:** [m.hasanabady@gmail.com](mailto:m.hasanabady@gmail.com)

**Received:** August 11, 2023; **Accepted:** November 26, 2023; **Published Online:** March 04, 2024

### Please cite this article as:

Hasanabadi M, Parsa E. Civil Sanctions Implementation of the Rights of People with Disabilities in Iranian Legal System and Providing a Desirable Model. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e56.



## ضمانت اجرای مدنی حقوق افراد دارای معلولیت در حقوق ایران و ارائه الگوی مطلوب

مسعود حسن آبادی<sup>۱\*</sup>، الهه پارسا<sup>۲</sup>

۱. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مباحثی که با حقوق بشر ارتباط مستقیم دارد، حقوق افراد دارای معلولیت می‌باشد. عدم پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی کافی برای حقوق معلولان موجب ضعف و نقص در حقوق این دسته از افراد می‌شود. بنابراین قوانین و قواعد حقوقی باید به گونه‌ای تصویب شوند که امکان عدم اجرا از طرف اشخاص وجود نداشته باشد، لذا در این مقاله به بررسی ضمانت اجرا حقوق افراد دارای معلولیت پرداخته و در پایان به دنبال ارائه الگوی مطلوب می‌باشم.

**روش:** این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در بحث ضمانت اجرای مدنی باید بین مسئولیت دولت و نهادهای غیر دولتی تفاوت قائل شد و در مبحث مسئولیت دولت باید میان مسئولیت دولت و کارمندان دولت نیز تفکیک قائل شد، حتی در برخی موارد برای جلوگیری از تضعیف حق افراد دارای معلولیت و جبران بهتر خسارت می‌توان از مسئولیت تضامنی استفاده نمود.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد در مبحث ضمانت اجرای مدنی قوای سه‌گانه در موارد تصویب و وضع قوانین ناکارآمد و اجرای ناصحیح قوانین باید مسئول اعمال خود باشند و این میان تفاوتی میان اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی دولت نمی‌باشد، حتی در مواردی که به فرد دارای معلولیت خسارت معنوی وارد شده باشد، باید این نوع خسارت جبران شود. همچنین در مورد مسئولیت افراد و نهادهای غیر دولتی طبق قواعد عام مسئولیت مدنی هیچ خسارتی جبران نشده نباید باقی بماند و این دسته از افراد باید از قواعد عام مسئولیت مدنی تبعیت کنند.

**واژگان کلیدی:** ضمانت اجرا؛ حقوق معلولان؛ مسئولیت مدنی؛ دولت

نویسنده مسئول: مسعود حسن آبادی؛ پست الکترونیک: [m.hasanabady@gmail.com](mailto:m.hasanabady@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Hasanabadi M, Parsa E. Civil Sanctions Implementation of the Rights of People with Disabilities in Iranian Legal System and Providing a Desirable Model. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e56.

## مقدمه

معلولیت مسأله‌ای است که جوامع بشری از ابتدا تاکنون با آن مواجه بوده‌اند و بسته به نوع فرهنگ رفتارهای متفاوتی با این پدیده داشته‌اند. در کشور ما افراد دارای معلولیت حدود ۱۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند، اما از امکانات اجتماعی و حقوق شهروندی به خصوصی در کشور ما بهره‌مند نمی‌شوند، پس باید قوانین با ضمانت اجرای کافی و کارآمد تصویب نمود. ضمانت اجرا عبارت از ابزاری است که برای تضمین انجام الزامات قانونی، قراردادی و یا جبران خسارت زیان‌دیده به کار گرفته می‌شود. به بیان دیگر ضمانت اجرا وسیله‌ای است که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین نموده و از طرف دولت در جامعه به کار گرفته می‌شود. وجود ضمانت اجرا برای یک قاعده در واقع وجه ممیزه قواعد حقوقی و قواعد اخلاقی است. با این توضیح که نقض قواعد اخلاقی صرف، از طرف قوای عمومی دارای ضمانت اجرا نیستند و دولت، اجرای آن‌ها را تضمین نمی‌کند، ولی اجرای قواعد حقوقی از سوی دولت به طرق مختلف تضمین می‌شود. با توجه به مقدمه بیان‌شده ما در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال هستیم که ضمانت اجرای مدنی جهت حمایت از حقوق معلولان در نظام حقوقی ما چگونه است و چه راهکاری جهت اجرای بهتر حقوق افراد دارای معلولیت می‌توان ارائه داد؟

## ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## روش

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

## یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در بحث ضمانت اجرای مدنی باید بین مسئولیت دولت و نهادهای غیر دولتی تفاوت

قابل شد و در مبحث مسئولیت دولت باید میان مسئولیت دولت و کارمندان دولت نیز تفکیک قائل شد، حتی در برخی موارد برای جلوگیری از تضییع حق افراد دارای معلولیت و جبران بهتر خسارت می‌توان از مسئولیت تضامنی استفاده نمود.

## بحث

۱. اقسام ضمانت اجرای مدنی: ضمانت اجرای مدنی را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:

### ۱-۱. ضمانت اجرای قراردادی

۱-۱-۱. اقسام ضمانت اجرای قراردادی: این دسته ضمانت اجراها در حقوق قراردادهای مورد بررسی قرار می‌گیرند و ناظر به موارد زیر است:

۱- مواردی که یکی از شرایط صحت یا نفوذ قرارداد وجود ندارد، مانند حالتی که شخص مجنون قراردادی منعقد نماید که ضمانت اجرای آن بطلان قرارداد به واسطه فقدان وجود قصد است و نیز حالتی که به واسطه اکراه یا انجام معامله توسط شخص فاقد اختیار منعقد می‌شود، ضمانت اجرای آن عدم نفوذ قرارداد است.

۲- دسته دوم ضمانت اجرای قراردادی، اختیارات هستند، البته همه اختیارات جنبه ضمانت اجرایی ندارند، مانند خیار شرط، لیکن برخی از اختیارات نظیر خیار تدلیس، تأخیر ثمن و تخلف شرط به جهت حمایت از حقوق یکی از طرفین قرارداد در قبال رفتار دیگر به وجود آید.

### ۱-۲. ارائه الگوی مطلوب در ضمانت اجرای قراردادی

دولت در نقض حقوق معلولان: به نظر می‌رسد این دسته از ضمانت اجرای مدنی ارتباطی با بحث ضمانت اجرای رفتار دولت در نقض حقوق افراد دارای معلولیت و ارائه الگوی مطلوب در این زمینه ندارد. به عبارت دیگر در مواردی که یک فرد معلول با دولت طرف قرارداد باشد، در صورت وجود یکی از جهات فوق‌الذکر، این ضمانت اجراها نیز وجود دارد و از این جهت تفاوتی میان معلول و غیر معلول نیست.

زیانبار یا به تعبیر دیگر، «عمل نامشروع» عبارت است از کاری که حقوق یک کشور اعم از قانون یا اخلاق و نظم عمومی آن را منع می‌کند و نامشروع می‌داند (۴-۶). عمل نامشروع آثار متفاوتی ممکن است داشته باشد و باعث یک نوع ضرر نمی‌شود، بلکه بسته به کیفیت آن، اثری متفاوت خواهد داشت: گاهی ممکن است باعث تلف نفس یا عضو شود (خسارت بدنی)، گاهی سبب تلف اموال می‌شود (خسارت مالی) و گاهی باعث لطمه به حیثیت و شخصیت انسان می‌شود (خسارت معنوی) و...

در مقاله حاضر، ضمانت اجرای مدنی حقوق افراد دارای معلولیت در حقوق ایران ذیل ضمانت اجرای غیر قراردادی یا مسئولیت مدنی قابلیت بحث و بررسی دارد؛ با این توضیح که لازم است بررسی شود که چنانچه این افراد، قربانی رفتارهای زیانبار شوند، قواعد حقوق مسئولیت مدنی چه ضمانت‌های اجرایی مقرر نموده است. این مطالب را می‌توان ذیل دو عنوان «مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق معلولان» و «مسئولیت مدنی افراد و نهادهای غیر دولتی در نقض حقوق معلولان» مورد بررسی قرار داد.

**۲. مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق معلولان:**

مسئولیت دولت (۷-۸) مبتنی بر این اصل است که دولت در ایفای وظایف قانونی خود در ارتباط با فعالیت‌های صورت‌گرفته تحت کنترل وی یا داخل در صلاحیت او مرتکب قصور شده است (۹). در بسیاری از کشورهای غربی تا قرن نوزدهم برای دولت و مؤسسات عمومی مسئولیت مدنی قائل نبودند و اصل مصونیت دولت حاکم بود در حقوق ایران نیز قبل از تصویب قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ بحثی از مسئولیت مدنی دولت و مؤسسات عمومی در میان نبود و در عمل مسئولیت قهری مؤسسات مزبور در قبال اعمال زیان‌آور کارمندان آن‌ها یا نقص وسایل و امکانات دولتی یا سوءمدیریت سازمان‌های عمومی مطرح نمی‌شد، هرچند که از دیدگاه حقوق اسلامی و قانون مدنی تفاوتی بین دولت و اشخاص دیگر از لحاظ مسئولیت مدنی وجود نداشت (۳).

به نظر می‌رسد لزومی هم ندارد که در این زمینه مقررات خاصی وضع شود، زیرا قراردادهای یکی از اسباب توزیع ثروت در جامعه هستند و دلیلی ندارد که قانونگذار از این منظر برای معلولان امتیاز خاصی قائل شود، مضاف بر اینکه دادن امتیاز به معلولان در این حوزه می‌تواند باعث شود که افراد از انعقاد قرارداد با معلولان امتناع نمایند و این امر باعث مشقت و سختی این افراد خواهد شد، لذا راه صحیح همان است که در حوزه قراردادهای میان معلولان و سایر افراد جامعه تفاوتی قائل نشویم.

**۱-۲. ضمانت‌های غیر قراردادی یا قهری (مسئولیت مدنی):** طی دهه‌های اخیر، جنبش حقوق معلولین موجب اقدامات متعددی شده و قانونگذاران داخلی و سازمان‌های بین‌المللی جهت اعمال سیاست ادغام اجتماعی معلولین و مبارزه با تبعیض ناروا علیه آنان تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند، اما نقش مسئولیت مدنی در این‌باره مغفول واقع شده است (۱).

مسئولیت مدنی، مسئولیتی است که بر اساس حقوق مدنی تحمیل می‌شود و در مقابل مسئولیت ناشی از حقوق کیفری قرار می‌گیرد. در واقع مسئولیت مدنی، الزامی قانونی در قبال خسارات مدنی است (۲). الزامات خارج از قرارداد یا مسئولیت مدنی به معنای عام تکالیفی است که در نتیجه امر مشروع یا نامشروعی بدون اینکه قرارداد صحیحی در میان باشد، پدید می‌آید. قانون مدنی این الزامات را با عنوان «در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود» در مواد ۳۰۱ تا ۳۳۰ و هفت مورد توجه قرار داده است، این الزامات را ضمان قهری نیز می‌توان نامید. در واقع ضمان قهری در اصطلاح حقوقی الزام به پرداخت مالی یا انجام امری است، بدون اینکه الزام مزبور ناشی از تراضی طرفین و قرارداد باشد (۳). مبنای الزامات خارج از قرارداد جبران خسارات وارده به شخص زیان‌دیده است.

برای تحقق مسئولیت مدنی و حکم به جبران خسارت سه عنصر لازم است: ۱- فعل زیانبار؛ ۲- ضرر؛ ۳- رابطه سببیت (۴-۶). در خصوص فعل زیانبار باید توجه داشت که فعل

در کشورهای غربی از قرن نوزدهم به بعد به تدریج مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی پذیرفته شد و اصل مصونیت دولت که ناعدلانه و با اصل تساوی شهروندان در برابر تکالیف عمومی ناسازگار می‌نمود جای خود را به اصل مسئولیت دولت داد فعالیت‌های دولت و زیان‌های ناشی از آن، جبران خسارت را به یک ضرورت اجتماعی تبدیل کرده بود، در ایران نیز با الهام‌گرفتن از تحولی که درباره مسئولیت مدنی دولت در کشورهای خارجی پدید آمده بود، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به تصویب رسید که این ماده مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارد می‌باشند، ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.»

از ماده مزبور نکاتی به شرح زیر قابل استنتاج است که تبیین صحیح آن‌ها، راه را برای ارائه الگوی مطلوب در زمینه تبیین ضمانت اجرای مدنی حقوق معلولان در حقوق ایران هموار می‌کند.

#### ۲-۱. تفکیک میان اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی

دولت در زمینه مسئولیت مدنی: همانطور که واضح است، مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، قانونگذار میان «اعمال حاکمیتی» و «اعمال تصدی» دولت تفاوت قائل شده است و دولت را نسبت به اعمال دسته نخست مصون و نسبت به اعمال دسته دوم مسئول می‌داند.

اعمال مربوط به حاکمیت دولت اعمالی هستند که در انجام آن‌ها دولت حاکم و قدرت مطلق است و به وسیله آن‌ها به مردم فرمان می‌دهد و تحکم می‌کند و به همین دلیل این اعمال از نظر حقوقی شبیه اعمال متداول بین افراد نیستند و

قابل تصور هم نیست که شخصی بتواند نظایر آن اعمال را انجام دهد. برای مثال وضع قانون آیین‌نامه برقراری مالیات و عوارض سلب مالکیت از افراد و دستورهای گوناگونی که مأموران به افراد می‌دهد، از جمله اعمال حاکمیت هستند که دولت آن‌ها را به عنوان قوه حاکمه جامعه در حدود اختیارات قانونی خویش انجام می‌دهد و بدین‌وسیله در جامعه نظم و آرامش و عدالت برقرار می‌کند (۱۰). اعمال حاکمیتی مشتمل بر اوامر و نواهی دولت نحوه مقررات و به طور خلاصه مظهر «اداره فرمانروایی» است (۳).

در مقابل، اعمال تصدی اعمالی هستند که در آن‌ها نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود و دولت با همان شرایطی که برای افراد مقرر شده، عمل می‌کند و به همین جهت اعمال مزبور از نظر حقوقی نظیر اعمال افراد عادی است. برای مثال خرید و فروش، اداره شرکت و...، از جمله اعمال تصدی هستند که دولت آن‌ها را به عنوان اینکه دارای شخصیت حقوقی و مأمور اداره و حفظ دارایی و منافع و اموال عمومی انجام می‌دهد (۱۰).

#### ۲-۲. تفکیک میان مسئولیت دولت و مسئولیت کارمندان

دولت: مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در تمام مواردی که اداره مؤسسات دولتی و کارمندان دولت زیان می‌بینند، خسارت نمی‌باشد، بلکه مطابق این ماده تفکیکی میان رفتار کارمندان دولت و مواردی که زیان منتسب به دولت است، دیده می‌شود که هرگاه کارمندان مؤسسات دولتی به مناسبت انجام‌دادن وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی بر اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت هستند که این قاعده همان مسئولیت مبتنی بر تقصیر است.

مطابق این ماده کارمندان دولت و مؤسسات عمومی علی‌رغم انجام کارهای مهم و استفاده از قدرت عمومی در مواقعی که فعل آن‌ها زیانبار از خودشان به تنهایی مسئول جبران خسارت هستند (۴).

به علاوه از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی چنین استنتاج می‌شود که درباره زیان‌های واردشده به وسیله کارمندان مؤسسات عمومی و دولتی اصل بر مسئولیت کارمند است،

را گسترش داده و از تقصیر شخصی تفسیر مضیق کرده است، به گونه‌ای که باید گفت در حقوق فرانسه برخلاف ایران مسئولیت مؤسسات عمومی به عنوان اصل پذیرفته شده است (۳).

موارد زیر در حقوق فرانسه از مصادیق تفسیر شخصی به شمار آمده که مسئولیت ناشی از آن بر عهده خود کارمند است:

۱- عملی که هیچ‌گونه ارتباطی با دولت ندارد، مانند موردی که کارمند با استفاده از اتومبیل شخصی خود زیان به دیگری وارد می‌کند، در این فرض تقصیر چه سبک باشد چه سنگین، عمدی باشد چه غیر عمدی، شخصی محسوب شده و مربوط به حقوق خصوصی است.

۲- عملی که با سوءنیت و قصد اضرار برای استفاده شخصی انجام شده است، مانند حالتی که مأمور پلیس به قصد انتقام‌جویی دست به کار خشونت‌آمیز می‌زند یا مأمور انتظامی با همکاری زندانی تحت مراقبت خود مرتکب سرقت می‌شود.

۳- عملی که تقصیر سنگین به شمار می‌آید، یعنی خطای فاحشی که از حد انتظار بیرون است (۳).

لازم به ذکر است که نباید تصور شود که اصطلاح تقصیر یا خطای اداری دولت به تقصیرات و خطاهای اطلاق می‌شود که بانی و عامل آن را نتوان به طور منجز و مشخص تعیین کرد و همین ویژگی است که آن را از تقصیر شخصی مستخدم متمایز می‌کند، زیرا این تصور اشتباه است تقصیر اداری که دولت باید پاسخگوی آن باشد، تنها تقصیری نیست که عامل و بانی آن مشخص نباشد، بلکه هرگونه تقصیری است که از لحاظ منطقی آن را نمی‌توان تقصیر شخصی مستخدم تلقی نمود. به عبارت دیگر تقصیر مزبور تقصیری نیست که نتیجه ضعف‌ها، هوس‌ها و بی‌احتیاطی‌های معمول باشد و سبب مسئولیت شخصی او شود، مانند خسارت ناشی از سهو یا اشتباه مأمور دولتی در تنظیم اسناد مالکیت (۱۰).

#### ۲-۴. آرائه الگوی مطلوب در مسئولیت مدنی دولت:

مطالبی که تا کنون بیان گردید، ناظر به مسئولیت مدنی دولت بود، ولی همانطور که ملاحظه گردید، در نظام مسئولیت مدنی دولت به عنوان یکی از نظام‌های خاص مسئولیت مدنی،

یعنی زیان‌دیده اصولاً برای جبران خسارت باید به کارمندان عامل زیان رجوع کند و در مواردی که خسارت وارد مستند به عمل کارمندان دولت نباشد و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، مانند موردی که پزشک بیمارستان دولتی به علت نقص وسایل و امکانات بیمارستانی نمی‌تواند بیمار را درمان نماید در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه دولتی ذیربط است (۳).

#### ۲-۳. تفکیک میان تقصیر اداری و تقصیر شخصی: برخی

معتقدند تقصیر اداری (۱۱) تقصیر منتسب به اداره است و تقصیر شخصی تقصیری است که منتسب به شخص کارمند است و ارتباطی با مؤسسه عمومی ندارد. تقصیر اداری مربوط به نقص وسایل، سوءتدبیر و نظارت و ضعف ساختار مؤسسه عمومی است، در حالی که تقصیر شخصی مربوط به حوزه خشونت‌ها و ضعف‌های کارمند است (۱۱).

البته برخی معتقدند که نسبت‌دادن خطا و تقصیر به اداره تعبیر صحیحی نیست، زیرا اداره شخصی طبیعی نیست و از خود اراده ندارد. از این رو ارتکاب خطا و تقصیر از طرف آن قابل تصور نیست. تقصیرهایی که به اداره منتسب می‌شود، در حقیقت تقصیراتی است که در تحلیل نهایی متوجه کارمند و مأموران دولتی است. به عبارت دیگر وقتی گفته می‌شود تقصیر یا خطای اداری مربوط به نقص وسایل اداره و یا سوء جریان اداری است و در حقیقت عامل این نقص و سوء تشکیلات کسانی جزء کارمندان، یعنی انسان‌ها نیستند (۱۰).

منظور از «نقص وسایل اداره» که در این ماده آمده، این است که اداره مجهز به وسایل یعنی تدابیر و روش‌های صحیح مدیریت برای انجام کار نبوده و این امر موجب بی‌نظمی در سازمان و سوء جریان کارهای اداری و در نتیجه وقوع خسارت گردیده، به عبارت دیگر اداره در تجهیز خود به وسایل صحیح کار که وجود یک تشکیلات و مدیریت صحیح و منظم آن را ایجاد می‌کند، مرتکب تقصیر شده است (۱۰).

برخی از اساتید معتقدند که رویه دادگاه‌های اداری فرانسه به ویژه شورای دولتی و دادگاه حل اختلاف از قرن نوزدهم قلمرو تقصیر اداری و در نتیجه مسئولیت دولت و مؤسسات عمومی



تفاوتی میان معلولان و اشخاص فاقد معلولیت، قائل نشده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که یکی از مبانی ایجاد مسئولیت‌های خاص می‌تواند حمایت از زیان‌دیده باشد، نمونه‌های این مسئولیت‌های خاص را می‌توان در مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون دید (۴). درست است که معلولان (صرف نظر از معلولیت‌های ذهنی) به لحاظ قوای عقلی با محدودیتی مواجه نیستند، ولی با توجه به نقص جسمانی نیازمند حمایت‌های بیشتری هستند. در موارد معلولیت ذهنی نیز به طریق اولی این حمایت‌ها ضروری است. با عنایت به این مهم، به جهت ارائه الگویی مطلوب برای مسئولیت مدنی دولت در موارد نقض حقوق افراد دارای معلولیت، لازم است برای حمایت از این افراد، تعدیلاتی در نظام مسئولیت مدنی دولت ایجاد شود. این موارد به شرح زیر قابل ارائه و پیشنهاد هستند.

۲-۴-۱. ایجاد مسئولیت برای دولت در اعمال حاکمیتی خود در قبال معلولان: برخی نویسندگان معتقدند محدودیت مسئولیت دولت و مؤسسات عمومی به خسارات ناشی از نقص وسایل آن هم در غیر اعمال حاکمیت با گسترش فعالیت‌های دولت و زیان‌های ناشی از آن و تحول افکار و عقاید راجع به وظایف و مسئولیت‌های دولت و حقوق و شهر و شهروندی در عصر جدید سازگار نیست، اثبات استناد خسارت به نقض وسایل بسیار دشوار است و معمولاً خسارت منتسب به شخص کارمند است، به ویژه اگر وی مرتکب تقصیر شده باشد، نقش هر یک کارمند و نقص وسایل معلوم نیست آیا مؤسسه عمومی مسئول است یا کارمند مقصر یا مسئولیت باید تقسیم شود (۳).

مطالب فوق‌الذکر نشان می‌دهد که اصل ایده تمایز میان اعمال حاکمیتی و تصدی یک ایده ناصحیح است و مطلوب آن است که این تمایز از بین رفته و دولت نیز در قبال تمامی اعمال خود مسئول جبران خسارت باشد، به ویژه آنکه دولت به لحاظ قدرت اقتصادی بالا توان جبران این خسارات را دارد و می‌تواند منابع این خسارت‌ها را از طرقی نظیر مالیات، جرائم و... تأمین نماید و در نتیجه هم خسارت جبران‌نشده باقی نمی‌ماند و هم دولت فشاری را متحمل نمی‌شود و در واقع خسارت توزیع می‌شود.

با این حال چنانچه دولت به هر علتی نخواهد که تمایز میان اعمال حاکمیتی و تصدی را به کلی از بین ببرد، مقتضی است که لااقل نسبت به آن دسته از افراد جامعه که نیازمند حمایت بیشتری هستند، با اصلاح قوانین موجود، این تمایز را نادیده گرفته و صرف نظر از منشأ خسارت نسبت به جبران آن‌ها اقدام نماید.

۲-۴-۱-۱. شناخت مسئولیت برای قوه مقننه در موارد تصویب قوانین ناکارآمد: برخی نویسندگان معتقدند فکر مسئولیت دولت از لحاظ وضع قانون به مفهوم خاص آن، یعنی قانونی که با رأی اکثریت نمایندگان تصویب می‌شود مسأله‌ای بسیار پیچیده است که هنوز در کشورهای جهان پذیرفته نشده است، زیرا قانون محصول اراده اکثریت ملت و ناظر به همه افراد است. از این رو تصور خطا کار بودن قانونگذار امری معقول نیست. از طرفی پذیرفتن مسئولیت برای قوه مقننه موجب بی‌ثباتی و آشفتگی امور می‌شود. با این حال برخی بر این عقیده‌اند که چنانچه قانونی چندان عام نبوده و جنبه

به همین دلیل نظریه تفکیک بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی در قرن نوزدهم مورد انتقاد شدید قرار گرفته و مردود شناخته شد و به تدریج دامنه مسئولیت دولت حتی در زمینه اعمال حاکمیت در کشورهای غربی به ویژه در فرانسه گسترش یافت (۳).

این نکته را نیز باید افزود که مصون ماندن دولت از مسئولیت در اموری که در مقام حاکمیت انجام می‌دهد، باعث می‌شود تا

نماید و دولت را مکلف نماید ظرف مدت ۳ ماه آیین‌نامه اجرایی این قانون را وضع و سازوکار حمایت را معین نماید، در این مثال چنانچه دولت ظرف مدت مقرر نسبت به تصویب آیین‌نامه اقدام ننماید و از این طریق باعث ورود زیان به معلولان گردد، باید خسارات مزبور را جبران نماید.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، دولت شأن اجرایی نیز دارد و موظف است قوانین و مقررات را به مرحله اجرا گذارد. در این شرایط چنانچه به دلیل عدم اجرای صحیح و به موقع قوانین و مقررات، حتی در مواردی که این عدم اجرا منتسب به «نقص وسایل اداره» یا تعبیر دیگر ناشی از «خطای اداری» باشد و از این طریق حقوق معلولان نقض شده و به آن‌ها خسارتی وارد آید، باز هم باید دولت این خسارات را جبران نماید، البته در مواردی که این زیان منتسب به کارمند دولت باشد، وی نیز باید مسئول جبران خسارت باشد.

به عنوان مثال مطابق ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولان: «کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد.» در صورت عدم مناسب‌سازی ساختمان‌ها و اماکن مزبور و ورود خسارت به معلولین به دلیل عدم مناسب‌سازی (نظیر حالتی که نابینایی به علت نگذاشتن نرده در سطح مرتفع، به زمین خورده و رایانه قابل حمل وی آسیب ببیند) (۱)، نهاد ذکرشده در این ماده باید مسئول جبران خسارت به وی باشند.

**۲-۴-۱-۳. شناخت مسئولیت برای قوه قضاییه در موارد اجرای ناصحیح حقوق حمایتی معلولان: اعمال حاکمیتی**

در قوه قضاییه نیز یکی از حالات زیر است:

۱- تصویب مقررات توسط رییس قوه قضاییه؛

۲- انجام اعمال اداری توسط کارمندان قوه قضاییه؛

۳- تصمیمات قضایی.

در خصوص بندهای «اول» و «دوم» همانطور که در خصوص مسئولان و کارمندان قوه مجریه گفته شد، در خصوص

تبعیض داشته باشد، عدالت و انصاف حکم می‌کند که زیان‌های ناشی از چنین قانونی جبران شده و چنین رفتاری از طرف دولت بر اساس قاعده خطر یا اصل برابری افراد در برابر هزینه‌های عمومی قابل توجه خواهد بود (۱۰)، البته برخی نویسندگان معتقدند برای جلوگیری از بی‌قانونی و تبعات آن لازم است حاکم اسلامی از طریق حکم ولایی در قالب قانون، وضع مقررات نماید و این وضع قانون، نیاز به فتوای معیار دارد. این مقررات ممکن است بالواسطه یا بالتسبیب توسط حاکم وضع شود، ولی در هر صورت از آنجا که با اذن حاکم بوده، به او منتسب است و طبق نظر اکثر فقهای عظام، از آنجا که ایشان قائل به فرض تقصیر برای حاکم هستند، چنانچه در جامعه اسلامی، قانونی موجبات ضرری را فراهم آورد، صادرکننده این حکم (حاکم جامعه اسلامی) مسئول جبران خسارات وارد بوده و نسبت به همه قوانین صادره در جامعه اسلامی ضامن است (۱۲).

چنانچه نظر فوق‌الذکر پذیرفته شود می‌توان مجلس را علی‌رغم اشتغال به امر حاکمیتی (تصویب قانون) در قبال تصمیماتی که اخذ می‌نماید و قوانینی که به تصویب می‌رساند مسئول دانست، بدین معنی که چنانچه قوانینی به تصویب رساند که در عمل باعث ورود خسارت به معلولان می‌گردد یا بالعکس با عدم قانونگذاری صحیح و به موقع باعث ورود زیان به افراد دارای معلولیت شود با اجتماع شرایط مسئولیت مدنی موظف به جبران خسارت به این افراد نمود.

**۲-۴-۱-۲. شناخت مسئولیت برای قوه مجریه در موارد تصویب مقررات ناکارآمد یا اجرای ناصحیح قوانین و مقررات:** همان‌گونه که در خصوص قوه مقننه بیان گردید، از

آنجا که بخشی از وظایف قوه مجریه نیز اشتغال به اعمال شبه‌تقنینی (تصویب مقررات) است (۱۳)، می‌توان با اجتماع شرایط مسئولیت مدنی، دستگاه یا وزیر (وزیران) عامل خسارت را ملزم به جبران خسارت نمود. در اینجا نیز ورود خسارت هم می‌تواند ناشی از وضع مقررات زیانبار باشد و هم ناشی از عدم تصویب صحیح و به موقع مقررات. به عنوان مثال چنانچه مجلس، قانونی را برای حمایت از حقوق معلولان وضع



۲- پرداخت دین از سوی هر بدهکار، دیگران را نیز بری می‌کند و طلبکار حق ندارد از مجموع بدهکاران بیش از طلب خود بگیرد» (۱۵).

مسئولیت تضامنی در برخی موارد مبتنی بر قرارداد است، بدین‌نحو که در قراردادی چند نفر متعهد به پرداخت یک دین شوند و در برخی موارد نیز مبتنی بر حکم قانون است، مانند مسئولیت تضامنی غاصبان. در حقوق ما مسئولیت تضامنی امری خلاف اصل است و در هر مورد خاص نیازمند حکم قانون یا وجود قرارداد است.

در حال حاضر مطابق آنچه بیان گردید و در ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی، اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی آمده است، در موارد استناد تقصیر به کارمند دولت، وی شخصاً باید خسارت را جبران نماید. در چنین شرایطی ممکن است شخص زیان‌دیده با یک شخص معسر مواجه شود که توان جبران خسارت وی کلاً یا بعضاً ندارد. یکی از راه‌های حمایت از زیان‌دیده آن است که در چنین مواردی دولت و کارمند خاطی متضامناً مسئول جبران خسارت تلقی شوند و در صورت عجز کارمند از تأدیه خسارت، دولت خسارت زیان‌دیده را جبران نماید و سپس دولت برای استیفای مبالغ پرداختی به کارمند خاطی مراجعه نماید.

در حقوق ایران در حال حاضر چنین امکانی پیش‌بینی نشده است، برخی اساتید حقوق مدنی معتقدند هرگاه خسارتی در نتیجه تقصیر کارمند و نقص وسایل اداری به بار آید، کارمند و دولت هر دو در برابر زیان‌دیده مسئول هستند، موردی است که اسباب متعدد خسارتی را به وجود می‌آورند، در چنین مواردی هردو خطاکار در برابر زیان‌دیده مسئولیت تضامنی دارند، ولی در روابط خودشان هر کدام به اندازه دخالتی که در وقوع حادثه داشته است، متحمل جبران خسارت می‌شود. برای مثال هرگاه افسری از ماشین نظامی برای مصارف شخصی استفاده کند، آسیب‌دیده حق دارد از راننده خطاکار بر مبنای تقصیر شخصی و از دولت به لحاظ نقص سازمان مربوط به بازرسی خودروهای نظامی خسارت بگیرد (۴). این نظریه علی‌رغم مترقی‌بودن، با توجه به عدم اشاره به مسئولیت تضامنی در قانون، مورد ایراد برخی از اساتید دیگر واقع شده

مسئولان و کارمندان قوه قضاییه امکان تحقق مسئولیت مدنی وجود دارد و لازم است از این حیث، مسئول قلمداد شوند. در خصوص تصمیمات قضات در حال حاضر اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

در راستای این اصل ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.»

با وجود قوانین فوق‌الذکر به نظر می‌رسد نسبت به احکام و قراردادهایی که توسط قضات صادر می‌شود، در هر صورت باید جبران شود، در صورت تقصیر قاضی، توسط خود او و در صورت عدم تقصیر قاضی، خسارت باید توسط دولت جبران شود، لذا قوانین این حوزه علاوه بر معلولان حتی شامل افراد غیر معلول نیز می‌شود و از این جهت (جز در خصوص بند بعدی) نیازی به اصلاح ندارد.

## ۲-۴-۲. مسئولیت تضامنی میان دولت و کارمند برای

**جبران بهتر خسارات معلولان:** مسئولیت تضامنی (۱۴) عبارت است از: «التزام‌های متعدد برای پرداخت یک دین»، در واقع «مسئولیت تضامنی، بر دو پایه اصلی استوار است:

۱- هر یک از بدهکاران مشترک، مسئول پرداخت تمام این دین است و طلبکار می‌تواند به یک یا چند بدهکار رجوع نموده و تمام یا قسمتی از دین را از هر کدام مطالبه کند.

این موارد همگی خسارت‌هایی هستند که ممکن است بعضاً توسط افراد جامعه به فرد معلول وارد شود، ولی مسبب نهادهای دولتی بوده‌اند که مناسب‌سازی منطقی راه‌ها و معابر با وضعیت معلولان را انجام نداده‌اند، لذا لازم است در تمام مواردی از این دست، ولو عامل خسارت فردی از افراد جامعه باشد، ولی این قبیل خسارات معنوی به دلیل عدم مناسب‌سازی محیط روی داده باشد، نهاد دولتی مزبور را مسئول جبران خسارت قرار داد.

### ۳. مسئولیت مدنی افراد و نهادهای غیر دولتی در نقض

**حقوق افراد دارای معلولیت:** در این زمینه حقوق کشور ما تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی بوده و تضمین خاصی برای نقض حقوق معلولان قائل نشده است، یعنی از منظر قواعد مسئولیت مدنی و جبران خسارت تفاوتی میان افراد معلول و افراد فاقد معلولیت وجود ندارد. به نظر می‌رسد در روابط افراد جامعه با یکدیگر (برخلاف رابطه افراد با دولت) تبعیض قائل‌نشدن میان شهروندان به لحاظ ویژگی خاص آن‌ها رویکردی صحیح‌تر است، زیرا افراد دارای معلولیت نیز مانند سایر افراد در جامعه زندگی می‌کنند و آن‌ها نیز مثل سایر شهروندان هم از مزایای زندگی اجتماعی بهره‌مند می‌شوند و هم باید خطرات زندگی اجتماعی، از جمله ورود خسارت را تحمل نموده و برای جبران آن به فاعل زیان مطابق قواعد عمومی رجوع نمایند و لزومی ندارد تکلیفی مضاعف بر فاعل زیان از حیث ورود خسارت به فرد معلول تحمیل شود، البته با توجه به لزوم حمایت از افراد معلول در جامعه و جلوگیری از مواردی که زیان معلول جبران‌نشده باقی می‌ماند، می‌توان در قانون صندوقی مشابه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پیش‌بینی نمود که وظیفه آن جبران خسارت افراد دارای معلولیت باشد در مواردی که فاعل زیان معسر است یا به هر علت دیگری، زیان وارده به این افراد جبران‌نشده باقی می‌ماند.

### نتیجه‌گیری

ضمانت اجرا تضمینی برای جلوگیری از نقض و زیر پا نهادن شدن قانون است که از سوی مقنن پیش‌بینی می‌شود. همانطور که

است (۳)، لیکن حتی اگر در حال حاضر قائل به مسئولیت تضامنی در فرض تقصیر مشترک شویم، باز هم در مواردی که تنها کارمند مسئول جبران خسارت است، نمی‌توان برای دولت مسئولیت تضامنی در نظر گرفت.

در نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌شود لاقلاً برای حفظ حقوق افراد نیازمند حمایت نظیر معلولان، در فرض ایراد خسارت توسط کارمندان دولت، اعم از اینکه تقصیر مزبور مشترک باشد یا تنها مربوط به عمل کارمند باشد، میان دولت و کارمند خاطی مسئولیت تضامنی پیش‌بینی شود تا در هیچ صورتی زیان معلولان بدون جبران باقی نماند و بر مشقت زندگی این دسته افراد نیفزاید. در رابطه دولت و کارمند خاطی نیز این امکان فراهم شود که دولت پس از جبران خسارت، امکان مراجعه به کارمند خاطی را داشته باشد.

### ۲-۴-۳. ایجاد مسئولیت برای دولت در جبران زیان‌های

**معنوی قبال معلولان:** اگرچه در ماده ۱، ۲، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و نیز ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان مطالبه جبران زیان‌های معنوی پیش‌بینی شده است، اما عمده استفاده این مواد مربوط به روابط خصوصی افراد با یکدیگر بوده و در غالب موارد در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که شخصی با رفتارهای غیر متعارف (تقصیرآمیز) خود نسبت به دیگری موجبات تخفیف شخصیت یا آزرده‌گی روحی او را فراهم آورده باشد، لیکن بحث افراد دارای معلولیت قدری متفاوت است، زیرا ممکن است اعمال و اقدامات دولت نسبت به افراد غیر معلول کاملاً متعارف باشد، لیکن همین امر باعث ورود زیان‌های معنوی و فشارهای عاطفی معلول می‌گردد، مانند فقدان مسیر مناسب برای عبور معلول از خیابانی مملو از ماشین‌های پرسرعت، عدم وجود سطح شیب‌دار در پل‌های عابر پیاده موجب نگرانی و فشارهای فراوانی بر فرد معلول می‌گردد یا در جاهایی که حرکت معلول با کمک رهگذران میسر می‌گردد، نظیر رفتن فردی که در صندلی چرخدار است به طبقه دوم ساختمانی از طریق پله‌ها که گاه همراه با الفاظ و حرکاتی است که موجب تحقیر او شده و آسیب شدید عاطفی او را به همراه دارد، وی را دچار خسارت معنوی می‌نماید (۱).

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

می‌دانیم، برای تضمین اجرای قوانین نهادهای متعددی تأثیرگذار هستند. بخشی از این ضمانت اجراها، ضمانت اجرای مدنی می‌باشد. در صدر ضمانت اجراهای مدنی، دولت و نهادهای غیر دولتی قرار دارند. در مورد مسئولیت دولت باید حتی در موارد اعمال حاکمیتی برای دولت مسئولیت قائل شد، حتی اگر پذیرش این نظریه به طور مطلق ممکن نباشد. قوه مقننه و قوه مجریه و قضاییه نیز در صورت ارتکاب تقصیر باید مسئول شناخته شوند. برای مسئول‌شناختن این قوا می‌توان با ارائه راهکار یا الگوی مطلوب نوعی ضمانت اجرا برای تخلفات این قوا پیش‌بینی کرد و با اتخاذ سیاست‌های مناسب حقوق این افراد را تضمین کرد، البته باید توجه داشت که معلولان جدای از افراد جامعه نیستند و نباید از ارتباط آن‌ها با سایر افراد جامعه جلوگیری کرد، اما در زمینه ضمانت اجرا حقوق این افراد با توجه به اجحافی که در حقوق آن‌ها صورت می‌گیرد، باید تا حدودی از سیاست افتراقی در زمینه حقوق این افراد استفاده کرد و روش‌های خاصی در نظر گرفته شود که هم اجرای آن راحت باشد و هم نظارت بر آن بر طور دقیق و خاص انجام شود.

### مشارکت نویسندگان

مسعود حسن‌آبادی: نگارش مقاله، گردآوری منابع، جمع‌آوری اطلاعات.

الهه پارسا: نگارش چکیده، مقدمه و نتیجه‌گیری، اصلاح مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

## References

1. Moradzadeh Rahmatabadi H. Disabled Persons in Civil Liability Laws. Doctoral Dissertation. Tehran: Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran; 2008. [Persian]
2. Garner BA. Black's Law Dictionary. 9th ed. Edmonton: The West Group; 2009. p.997.
3. Safai SH, Rahimi H. Civil liability (non-contractual obligations). Tehran: Samt Publications; 2013. [Persian]
4. Katouzian N. Iranian civil law: A comparative study extra contractual obligations. Tehran: Tehran University Publications; 2013. Vol.1. [Persian]
5. Darabpour M. Civil liabilities: Damages restitution. Tehran: Majd Publications; 2008. p.95-96. [Persian]
6. Rassat ML. Civil liability. Translated by Ashtari M. Tehran: Hoghooghdan Press; 1996. [Persian]
7. Arrowsmith S. Civil Liability and Public Authorities. Warwickshire: Earlsgate Press; 1992.
8. Clarkson KW, Muris TJ. Civil Liability of Government Officials. Durham, North Carolina: School of Law, Duke University; 1978.
9. Basedow J, Magnus U, Wolfrum R. The Hamburg Lectures on Maritime Affairs 2007 & 2008. New York: Springer; 2009. p.5.
10. Tabatabai Motamani M. Administrative Law. Tehran: Samt Publications; 2008.
11. Seerden R, Stroink FAM. Administrative Law of the European Union, Its Member States and the United States: A Comparative Analysis. Cambridge, Antwerp: Intersentia nv; 2002. p.86.
12. Arasta MJ, Mamizadeh M. Civil Responsibility as a Result of the Legislation. Islamic Law Research Journal. 2018; 19(2): 319-342. [Persian]
13. Imami M, Ostovarsangary K. Administrative law. Tehran: Mizan Publications; 2022. p.38. [Persian]
14. Freedman W. Joint and Several Liabilities: Allocation of Risk and Apportionment of Damages. London: Butterworth Legal Publishers; 1987.
15. Katouzian N. Droit civil: Theorie generale des obligations. Tehran: Mizan Publications; 2006. p.202. [Persian]